

انقلاب مشروطیت که چهاردهم مردادماه سالگرد آنست، یکی از بزرگترین نهضت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری تاریخ کشور ماست که اگر هدف می‌رسد و استحکام می‌یافت، ده‌ها سال پیش کشور ما می‌توانست گام در راه رشد مستقل بگذارد. در معرض غارت امپریالیسم قرار نگیرد و از آزادی‌های دموکراتیک برخوردار شود. ولی انقلاب مشروطیت، با اینکه چند سال حوشید، با اینکه محرومان شهرو روستا در آن شرکت اینارگران و جانبازیهای فداکارانه کردند و از خون آنها وطن "لاله‌زار" شد، با اینکه انقلابیون راستین در راه پیروزی آن رحمت فراوان کشیدند، با اینکه سردارانی نظیر ستارخان و باقرخان پرورش داد، با اینکه روحانیون مبارز در آن شرکت کردند، با اینکه شمیران دولت مسنحل بود، به پیروزی کامل نرسید، از محتوی ضد استعماری و ضد استبدادی نپس شد، مسخ شد، دچار فرمایش گشت، چنانکه پس از چند سالی رضاخان با اجرای طرح انگلیسی یک کودتا، توانست تیر خلاصی را برکالند فرسوده آن بزند و فقط از نام سیاسی محتوای آن برای برقراری رژیم استبدادی سلطنتی مشتی دست‌نشانده امپریالیسم استفاده کند. دوران ۵۰ ساله رژیم پهلوی که کشور ما را به تعبیر اصنام خمینی صورت یک کشور زلزله زده‌ای درآورد، در واقع کفاره عدم هوشیاری، عدم کفایت، عدم قاطعیت انقلابی سگانداران انقلابی انقلاب مشروطیت بود که مردم زحمتکش و شندیده ما، سالیان دراز محصور به برداشت آن شدند، تا سرانجام انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی ۲۲ بهمن به رهبری اصنام خمینی و با شرکتی ماند خلق زحمتکش باخاسته راه نجات را گشود.

تاریخ انقلاب مشروطیت آموختنی است برای امروز، برای بهره‌بردار اشتباهات نظیر، برای تجربه‌آموزی، برای شناخت نیرنگ‌های دشمن، شیوه‌های عمل امپریالیستهای آن زمان، نحوه عمل لیبرالیهای آن دوران، طرز عمل ضد انقلابی و عاقل السلاطین و مالکین آن هنگام، انقلابی‌نمایی که انقلاب را آنقدر کابردند تا آنرا "ثامنا" مسخ کرد و مجدداً کشور را به محال استبداد و استعمار سپردند.

اگر تاریخ انقلاب مشروطیت را دقیق مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که تقریباً همه نوطه‌های خارجی و داخلی که در آن دوران برای شکست انقلاب مشروطیت طرح اجرا شد، امروز نیز مکارانه‌تر و با مقیاس وسیع‌تری علیه انقلاب نجات‌بخش ۲۲ بهمن طرح اجرا شده و می‌شود، اما شرایطی که در آن انقلاب ۲۲ بهمن انجام گرفته، دو تفاوت مهم و اساسی با شرایط انقلاب مشروطیت دارد. یکی آگاهی سیاسی توده‌های میلیونی انقلابی مردم که با سطح آگاهی سیاسی مردم در آن زمان قابل مقایسه نیست. دوم اوضاع بین‌المللی که در آن زمان روسیه تزاری استعمارگر از یکسو، انگلستان سردمدار استعمارگران غرب از سوی دیگر ایران را در محاصره داشتند و کشور ما را طعمه‌ای می‌دانستند که باید با یکدیگر، گریه‌وار تقسیم کنند. ولی امروز همسایه بزرگ شمالی ما، اتحاد جماهیر شوروی - دوست و حامی انقلاب ما و استقلال ما - در برابر آمریکا، دشمن اصلی ما است. با اضافه‌آموزی امروز در برابر امپریالیسم جهانی و دولت‌های دست‌نشانده‌اش، حربه عظیم کشورها و نیروهای ضد امپریالیستی موجود آمده و علاوه بر این، سراسر جهان زیر سلطه امپریالیسم در زیر پای سلطه‌گران می‌لرزد، تجارت ساده‌تر تناسب نیروها به مقیاس جهانی به سود تمام کشورها و نیروهای ضد امپریالیستی و بزبان امپریالیسم سرگردگنی آمریکا، تغییر کرده است. این دو عامل یکی عامل آگاهی سیاسی توده‌های میلیونی انقلابی در کشور ما و دیگری عامل تغییر تناسب قوا، سود نیروهای ضد امپریالیستی به مقیاس جهانی، عواملی هستند که همراه با رهبری مدبرانه اصنام خمینی گزندپذیری انقلاب ۲۲ بهمن را نسبت به انقلاب مشروطیت مراتب کمتر می‌کند. ولی در عوین، نوطه‌های امپریالیسم نسبت بدان دوران پیچیده‌تر شده است که هوشیاری حداکثر برای شناخت و غشی کردن آنها می‌طلبد.

تاریخ انقلاب مشروطیت آموختنی است و اصولاً "تاریخ" عمری است گذشته  
انباشته از تجربه که باید آموخت تا بتوان آنها را در عمر کنونی بکار بست. اگر  
تجارب این "عمر" گذشته بدرستی آموخته شود، دیگر مانند شاعر با تاسف  
نخواهیم گفت که:

"عمر، دو بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن

با دیگری تجربه بردن بکار"

نخست وزیر در دیدار با زیر بازرگانی و مدیران کل و معاونین وزارت بازرگانی تاکید کرد:

وزارت بازرگانی بیش از همه وزارت خانه های دیگر (باید) به خودش همدار دهد که رابطه عاقلی خود با مستضعفین را قطع ننهد. این همدار نخست وزیر بر شرایطی که گران، احتکار و تصود ممنوعی کالاها می شود نیاز، عمدتاً برگزیده، توده دهها میلیون مردم محروم و زحمتکش فشار خریدکننده ای را وارد می آورد و هر روز نمونه های تازه تری از جنایات تروریست های اقتصادی، کلان سرمایه داران و بزرگ تاجران محترم بازار با تلاش مردم و نهادهای انقلابی از پرده بیرون می افتد حائز اهمیت فراوانی است.

وزارت بازرگانی، که بر پایه قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی - قانونی که بر اساس نظریه اعلام شده از سوی شورای نگهبان بحالت تعلیق درآمد - مسئول تنظیم و کنترل رابطه عادلانه در بازرگانی خارجی و داخلی کشور است، نقش فوق العاده حساسی در پاسخگویی به نیازهای مردم و روزمره محرومان و مستضعفان دارد. از اینروست که بقول نخست وزیر:

وزارت بازرگانی در گامی که اکنون توجه مردم قرار دارد، چون با توزیع ارزاق و مایحتاج عمومی و مسأله گران و ارزانی و بازار ارتباط پیدا می کند... همه چشمها به وزارت بازرگانی برمی گردد که چه سبستی را در این برهه در پیش می گیرد و در امر توزیع واردات چه سبستی را دنبال می کند.

نخست وزیر در ادامه سخنان خود می افزاید:  
"به نظر من در جامعه، کمبود ایجاد ناراحتی نمی کند، بلکه آن چیزی که ممکن است منجر به ناراضی مردم شود، عدم توزیع عادلانه امکانات است که مهم ترین مسأله می باشد.  
می دانیم که وزارت بازرگانی در رژیم گذشته یکی از اهمتهای نیرومند تسلط فارتگران انحصارات امپریالیستی بر اقتصاد موهبتان بود. این حقیقت

تلخ نیز پنهان نیست که هم در زمان دولت موقت و هم زمانی که بنی صدر و دارودسته او این وزارتخانه را در چنگ خود داشتند، این وزارتخانه همچنان در خدمت کلان سرمایه داران و بزرگ تاجران قرار داشت. تلاشهای شدید رنجی و باهتر نیز برای استقرار سبستی در خط مستضعفین در این وزارتخانه با کارشکنی و آخلال باند کپیرالها کمراکز حساسی را در اشغال داشتند بواجب بود. گام های مثبتی که در زمان نخست وزیر موسوی در راستای خط ضد امپریالیست و مردمی امام به پیش برداشته شده مانع از آن نشده است که محافل طرفدار فارت کلان سرمایه داران و بزرگ تاجران محترم بازار، همچنان در این وزارتخانه به اعمال نفوذ مخرب خود ادامه دهند. اکنون همدار نخست وزیر به وزیر بازرگانی و مسئولان این وزارتخانه همچنان نشانه آنست که هنوز محافل نیرومندی مانع از آنند که وزارت بازرگانی به عنوان یک وزارتخانه حساس و کلیدی در تمام جهات، خط امام، خط حمایت از مستضعفین را راهنمای عمل خود قرار دهد و در این راستا عمل نماید.

اکنون در حقیقت تروریست های اقتصادی هر چه دلشان بخواهد به سر مردم می آورند و با احتکار و گران قوت لایموت مردم تا داروهای مورد نیاز محرومین جنگ میلیاردها تومان به جیب می زنند و غالب است که در این راه از امکانات قانونی که وزارت بازرگانی در اختیارشان گذاشته است بیشترین بهره را در فارت سی حساب مردم مستضعف می برند. در همین هفته گذشته در دو مورد سبای جمهوری اسلامی طی گزارش مستندی، بحتگرانی را نشان می داد که با استفاده از امکانات قانونی وزارت بازرگانی، توزیع ۲۰٪ کالاهای وارداتی خود را زیر نظر وزارت بازرگانی قرار داده و باقی آن، یعنی ۷۰٪ کالاهای وارداتی را به انبارهای فرستاده اند که نه تنها مردم رنگ آنها بقیمت عادلانه خواهند دید، بلکه به بهای فقر و خانه خرابی و گرسنگی مردم مستضعف تنها جیب گشاد این تاجر محترم بازار، پر و پرتر می گردد. متأسفانه وزارت بازرگانی

در برابر این غارت آشکار تنها به این انگفا کرده است که اعلام کند. مجازات سنگینتری علیه احتکارکنندگان کالا در پیش گرفته می شود. درحالیکه همگان می دانند که فقط با مجازات این با آن محنکر و گران فروش، نمی توان ریشه احتکار و گران فروشی را خشکاند. تا زمانی که قرار باشد نظم اقتصادی کشور در مدار پیچرخه که بازرگانی داخلی و خارجی در بد قدرت بزرگ تاجران زیر نام "بخش خصوصی" قرار داشته باشد، گارنت قاطع ترین سیاست های مجازات محنکران نیز بی فایده خواهد بود. زیرا که بقول معروف در سری همان باشه می چرخد. تا وضع چنین باشد، بزرگ تاجران بازم میلیاردان تومان بجنب خواهند زد و در عوض بخش وسیعتری از مردم، در فقر فرو خواهند رفت.

حوشخانه قانون اساسی با دولتی شناختن بازرگانی خارجی و تاکید بر اهمیت بخش دولتی و تعاونی در مجموعه اقتصاد کشور، چهارچوب لازم را برای توزیع عادلانه کالا فراهم آورده است. اما تا زمانی که در عمل، بازرگانی خارجی دولتی نشود و با شبکه گسترده ای از توزیع دولتی و تعاونی، توزیع داخلی در کنترل دولت قرار نگیرد همچنان گفته حجت الاسلام رفسنجاسی بقوت خود باقی خواهد بود:

"که جامعه گرفتار است دچار تبعیض است. یک عده دارند از پر خوری خفه می شوند کسای از بداری دارند می میوند"

(نماز جمعه ۲ تیر ماه)

برای توزیع عادلانه کالا، باید نظم نا عادلانه اقتصادی را که بر غارت بی حساب مردم مستضعف متکی است از سیاد تغییر داد. اجرای این امر هم از دیدگاه احزاب و عدالت و هم از نظر فقه و استحکام انقلاب ضروری است.

رئیس جمهور خانه ای بدستی می گوید:

اگر بخواهیم در برابر بوطه های داخلی و خارجی قدرت مقاومت خود را بالا ببریم ناگزیر باید صن نگهداشتن اکثریت مردم در صحنه. آینه را همچنان مستند، موص و وفادار به انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب در صورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند.

فقط با مجازات نمی توان از غارتگری سرمایه بزرگ تجاری جلوگیری کرد.

هفته گذشته خبری در روزنامه اطلاعات منتشر یافت حاکی از اینکه ۹ وارد کننده آهن به زندان و میلیونها تومان جریمه محکوم شدند. خبر را که تا آخر بخوانید، خواهید دید که مدت زندان این واردکنندگان آهن ۵ روز تا ۱۰ روز به تفاوت بوده است. آنها جریمه نیز نشده اند. سوء استفاده های که از گران فروشی آهن کرد، مانند ۲۲ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال و کمتر به تفاوت بود و مقدار جریمه آنها نیز ۵ میلیون تومان و کمتر به تناسب حرم بوده است.

۱۶ مرداد پس از سال نیز همین ساله سوء استفاده مردوندگان آهن مطرح شده بود. آقای س عطاءالله مباحرانی رئیس کسپو، بازرگانی مجلس شورای اسلامی در آن شماره به حق اظهار داشتند که در حلال ساختن مسج اقتصادی، دیگر مسئولین آمده اند و کارهای اساسی، خصوصاً آهن را به توزیع کنندگان درحماول که سوما "فلا" هم در تجارت آهن بخش دانستند، سپردمانند. آنها خود محدود توزیع کنندگان در حده دوم و سومی هم در مناطق پیدا می کنند و در این سیرامکان فساد بیشتری هست. رئیس کسپو بازرگانی مجلس توضیح داد که سرمایه داران بزرگ "شرکت سبانی" تشکیل داده اند، به نام شرکت تعاونی "وزیر این نام" عارتگری خودشان را مشروعیت می دهند. در همان شماره روزنامه، آقای مسکراولادی و بریارگانی نیز به طرح ساله پرداخت و توضیح داد که علت واگذاری محدود توزیع آن به "تعاونیها"، در مرحله اول اینست که دولتی باشد.

بدینسان در زمینه بازرگانی خارجی آهن و توزیع داخلی آن نیز ماهها یکی پس از دیگری می گذرد و سرمایه داران بزرگ به عارتگری خود همچنان مشغولند. و این البته فقط منحصر به آهن و خرید و فروش آن نیست.

حال برای جلوگیری از این عارتگری چه باید کرد؟ برخی مانند آقای نوکلی - وزیر کار و امور اجتماعی عقیده دارند که "مجازات سبترین روش برای جلوگیری از تخلف در جامعه است. اگر مجازات متناسب اعمال گردد کارها درست می شود" (گنجان ۵ مرداد) ولی حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی ضمن اعلام خبر مجازات ۹ وارد کننده و فروشنده آهن اظهار داشته است که: "رأی بر حورود قاطع دادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی با متخلفین، اخرا" عدمای از افراد فرصت طلب و سوجدو که حرائشی نظیر گرانفروشی و احتکار و قاچاق کالا نیز دارند با بتول شدن به بعضی از تحصیلها نصد دارند گاردادگاه را لوت و سوارش حلوه دهند که این حواسزها علیه دادگاه بخاطر قاطعیت و نفاوت درست دادگاه است. . . . شخصی که از طریق گران فروش و احتکار، میلیونها تومان کلاهبرداری می کند و برای رد کم کردن صد هزار تومان به جبهه ها کمک می کند، آیا این افراد را لوصفت می توانست جاسی در جامعه داشته باشند."

پس معلوم می شود که وقتی سیستم خرید و توزیع کالا (آهن و یا هر چیز دیگری) به سرمایه دار بزرگ تجاری واگذار می شود، سیستم گارتگی در اعمال "مجازات متناسب" نیز موازی با آن موجود می آید، تا سرمایه داری بزرگ به عارتگری خود ادامه دهد. تازه حتی اگر "مجازات متناسب" که سهل است، مجازات فوق العاده شدیدی هم نیست به این با آن فرد متخلف اعمال شود و مانند گذشته ها اس با آن محنکر گندم به داخل گوره نانوا می افکند شود، ولی "سیستم" عوض نشود، باز کارها درست نخواهد شد. تصور اینکه فقط با مجازات نمی توان مسائل اقتصادی - اجتماعی را حل کرد، تصور نادرست و سی

حاصلی است. برای اینکه غارتگری سرمایه‌بزرگ بهار شود، مقدم بر هر چیز باید قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی از "حقاق" خارج گردد و نوع اجرا گذارده شود. تازه این کافی نیست. علاوه بر آن باید یک شبکه توزیع دولتی کالا و یک شبکه توزیع تعاونی واقعی کالا (و نه شرکت سهامی سرمایه‌داران زیر نام تعاونی) بوجود آید. تا این غارتگری بهار شود.

دادسرای ویژه امور صنفی بنا به گفته آقای صادق تقوایی سرپرست این دادسرا (کتابان ۳۵ شماره) روزانه بطور متوسط مبلغ یک میلیون تومان حربه در یافتی از گرانفروشان را به خزانه‌داری واریز می‌کند. معذالک "کارها درست" نشده است. علاوه بر تعقیب و مجازات گرانفروشان بگفته ایشان "سود طلسمی بخش خصوصی و ظلم ناپذیری مکتب و طاقت فرسا بودن هزینه زندگی اجناس می‌کند که بخش خصوصی از بازرگانی خارجی خلع ید و امور آن در اختیار بخش عمومی (دولتی) قرار گیرد" ولی "فعلاً" توزیع کالاهای اساسی یعنی کالاهایی که بازار سیاه دارد، با استثناء صنایع داخلی با وزارت بازرگانی است. بافت وزارت بازرگانی برای زماندازی یک عده تاجر همیشه بود که درصد ناچیزی از جامعه را تشکیل می‌دهند، لکن سود کلانی از درآمد ملی را بحیب می‌زنند. هر چند پس از سقوط رژیم، آهسته آهسته تغییراتی در این وزارتخانه بوجود آمد ولی این تغییرات متناسب با شتاب تحول زیاد در جامعه نبوده است. وقتی اعلام می‌شود کار مردم را از مردم نگیرد تصور می‌شود که معنی آن ۵ درصد تاجر همیشه که بیشترین درآمد و سود نامشروع را بحیب خود سرازیر می‌کند، می‌باید، در حالیکه اگر تجارت خارجی دولتی شود این سود کلان بحیب استبداد مستغف می‌گردد. مجازات دیگر به خزانه می‌ریزد و معنی این بخش اقتصاد از جنگ چند درصد اندک درآمده در اختیار بخش عمومی قرار می‌گیرد. خلاصه تا دولتی کردن بازرگانی خارجی اجرا نگردد، تا توزیع کالا بوسیله یک شبکه توزیع دولتی و یک شبکه توزیع تعاونی واقعی، انجام نگردد، غارتگری سرمایه بزرگ تجاری ادامه خواهد یافت و هیچ مجازاتی قادر نخواهد بود، "کارها را درست کند".

رفقا توجه دارند که در اینجا سخن بر سر دکان کوچک با سرمایه کوچک نیست، این بخش توزیع در کنار شبکه توزیع دولتی و تعاونی می‌تواند و باید به حیات خود ادامه دهد.

سناست "سومین سالگرد انقلاب فرهنگی، روزنامه کیهان (شنبه ۵ مرداد) با وزیر علوم و چند تن از دست‌اندرکاران سایل دانشگاهی مصاحبه‌هایی انجام داده است. در این مصاحبه‌ها گونه‌های دیگری از سایل و مشکلات موجود دانشگاهها از جمله "ساله" ادامه "بازگشایی‌ها، ضوابط حاکم بر گزین دانشجویان، براه‌اندازی و چندگانگی در سبادهای مصمم‌گیری سایل دانشگاهی و ... فاش شده است.

مذتهاست که علیرغم حواص و تعایل مسئولین خط امام و بویزه تاکیدات مکرر امام خمینی در مورد بازگشایی کامل دانشگاهها، این امر حیاتی با انواع و مشکلات متعدد بوسروت و آنچه تاکنون انجام شده، ناگامی، سه‌گانه و ناقص است. ستاد انقلاب فرهنگی که مسئولیت اصلی را در این رسبه بعهده داشته بدلیل وجود پاره‌ای گرایشها بامهاگ یا خط امام و مخالف بازگشایی دانشگاهها، منشاء اثرات سناقص و تاخیر و تردد در بازگشایی دانشگاهها و بدیش همه دانشجویان سبهد به انقلاب بوده است. خروج مرحله دوم بازگشایی، علیرغم وعده‌های مختلف همچنان در بونه ابهام است و این واقعیت در مصاحبه‌های فوق‌الذکر چشم می‌خورد. وزیر علوم در پاسخ بدس سوال که

"بازگشایی مرحله دوم دانشگاههای کشور چه زمانی صورت خواهد گرفت؟" پاسخ داده است "صورت معلوم نیست" و برآستی نیز ستاد انقلاب فرهنگی برنامه مشخصی را ارائه نداده است. رئیس دانشگاه اصفهان در همین رسبه می‌گوید: "در زمینه علوم انسانی ... کار با آن حدی نبوده است که عطش انقلابرا سیراب کند." رئیس دانشگاه سیستان و بلوچستان نیز معتقد است: "ساله مهم، توقعی بود که در حدهام از ستاد انتظار می‌رفت و برآورده نشد...". این سخنان تأیید دیگری است بر این نظریه که ستاد انقلاب فرهنگی نتوانسته است راهگشا و انقلابی عمل کند. روند بازگشایی سبار کند، ناقص و نیمه‌گانه صورت گرفته و در همان حدی نیز که کار پیش رفته گرایشهایی در ستاد انقلاب فرهنگی کوشیده است با تحمل سبسته‌های سنگین‌ترانه و با ناراضی‌تراشی و غرقمانداری، مشغول واقعی رهنمودهای امام را مسخ کنند.

رقفا توجه دارند که پس از رهنمودهای قاطع امام، سنی بر بازگشایی دانشگاهها و عقب‌نشینی نسبی مخالفین در این عرصه ساله "چگونگی و ضوابط پذیرش استاد و دانشجو" به یکی از مرصه‌های حاد رودر روی خط‌ها انجامید. امام و نمایندگان برجسته خط امام نظیر آیت‌الله منتظری و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و ... با رهنمودهای مکرر و روشن خود از حضور و ادامه تحصیل همه دانشجویان مدافع جمهوری اسلامی، قطع نظر از معتقدات مسلکی و دیدگاههای فلسفی آنان، و حتی غرب خوردگان دفاع کرده‌اند. اخیراً "نیز آقای نجفی وزیر علوم باردیگر بر این سبگیری دبیست - که اعتقاد به روان راستین خط امام است - تاکید کرد که "خط‌گلی این است که کسی را بصرف داشتن بک عقیده سیاسی از تحصیل محروم نکیم. ولی اگر افرادی سواصق با وضعیت حالشان شخص کننده سوا استفاده و دنبال کردن اقتراض سیاسی باشد و حرکات آنها موجب طلب آزادی و نگرانی شود از سبستانام آنها جلوگیری خواهد شد. آنچه که آقای رفسنجانی هم گفتند ناظر بر همین مطلب است. ضوابط هم نوشته شده و به دانشگاهها (شورای پذیرش) داده شده است."

علیرغم این سخنان روشن‌تر از هم در عمل خط‌دیگر است که پیش می‌رود. دانشجویان و استادان بدلیل عقاید سیاسی ایشان تصفه می‌شوند و پرستنامه‌های چند صفحه‌ای سبنگام سبستانام در برابر دانشجویان قرار می‌گیرد که باز اصلی آن متوجه "کشف" تفکرات سیاسی دانشجویان و "شناسایی" دستان و همفکران

آنهاست. تفتیش عقاید در این پرشنامهها آفند حش و آشکار است که مورد اعتراض و مخالفت گروهی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز قرار گرفته است.

محروم ساختن گروه کثیری از دانشجویان بدلیل غیرمکتبی بودن - که اکنون سگر مهم مخالفان خط امام در جلوگیری از بازگشایی دانشگاهها است - زمانهای بسیاری را برای انقلاب و برای رشد کشور در عرصه‌های مختلف به دنبال داشته و خواهد داشت. محروم ساختن و حذف بخش عظیمی از نیروهای متخصص - که مابین انقلاب و جمهوری اسلامی معتقدند - ضدیت آشکار با تلاش پرورد و روح پسرمانانه‌ای است که مردم ما برای نیل به استقلال واقعی متحمل می‌شوند. حذف نیروهای متخصص تنها ضدیت با حقوق اجتماعی تصریح شده اتحاد ملت ایران در قانون اساسی نیست. بلکه اخلالی است در سازنده استقلال طلبانه مردم ایران.

علاوه بر اینگونه گرایش‌ها انحرافی در نظام آموزشی کشور، چندگانگی مراکز تصمیم‌گیری از عوامل مؤثر منفی است که حل مشکل را دشوارتر کرده است.

وزیر علوم تعدد مراکز تصمیم‌گیری را مشکل عمده دانشگاهها دانسته و می‌گوید: "عمده‌ترین مسأله تعیین یک ارگان مرکزی پر قدرت با مسئولیتهای مشخص و قانونی است که بتواند کل فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی را زیر نظر داشته باشد. این سخنان آشکار می‌سازد که ارگانهای، نهادهای، ستادهای وجود دارند که مسئولیتشان مشخص و قانونی نیست و همینها هستند که امروز جواب‌های جرح بازگشایی دانشگاهها می‌گذارند.

در هر حال واضح و آشکار است که نیاز ضرور انقلاب می‌طلبد که دانشگاهها بدون تاخیر و بطور کامل بازگشایی شوند. تصفیه‌های غیرقانونی متوقف گردد. تفتیش عقاید دانشجویان طبق قانون اساسی ممنوع گردد و فضای مناسب برای تحصیل و شکوفایی استعداد هزاران هزار نیرویی که می‌خواهند در خدمت انقلاب باشند، بوجود آید. تنها در چنین صورتی است که انقلاب فرهنگی می‌تواند مجرای صحیح خود را بیابد و معضلی بنام "ساله دانشگاهها" برای همیشه حل شود.

در هفته گذشته، در پایان دومین سمینار مسکن و شهرسازی که منظور تأمین هماهنگی برای اجرای قانون اراضی شهری و آییننامه اجرایی آن برگزار شد، وزیرمسکن و شهرسازی، بهراه مدیرعامل و اعضای هیات مدیره و سرپرستان واحدهای زمین شهری با رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس سازمان آوارزی کل کشور دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس سازمان آوارزی کل کشور، بر اجرای بدون حده قانون اراضی شهری تأکید ورزیدند و از وزیر مسکن و شهرسازی و مسئولان اجرای قانون اراضی شهری خواستند که در اجرای صحیح این قانون پیگیری نمایند.

اهمیت تأکیدات رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس سازمان آوارزی کل کشور بویژه از آنروست که مسئولان ارشد ادارات مسکن و شهرسازی و کلان صاحبان مستغلات، پس از آنکه نتوانستند مانع تصویب قانون اراضی شهری شوند، تمام توان خود را بکار گرفته و میگیرند تا از اجرای این قانون جلوگیری نمایند. آنها تلاش دارند در عمل، قانون اراضی شهری را نسخ کرده و از محتوای مردمی آن تهی سازند.

آنها در جریان برگزاری نشست تصویب قانون اراضی شهری در مجلس و آییننامه اجرایی آن در دولت، با هرگونه کنترل دولت بر معاملات رسمی مخالفت کردند. یکی از سخنوران آنها در مجلس گفت:

امباری و آفرای خصوصی مردم - اسه و سحه معقولی گریه عرب گریه؟ عویس آرای وزیر مسکن صادفانه باشد و در مقابل ملت و ادرا کند که این (تقدیم لایحه اراضی شهری) استعاضی ستن سوده است. (اطلاعات - ۲۵ سپتامبر ۱۳۶۰ - گزارش مجلس)

آنها سعی کردند مخالفت خود را رنگ "اخلاقی" بپوشانند و با استناد آنجنانی به اصل "تراستی"، قانون اراضی شهری را "خلاف شرع" اعلام کردند. حوشخانه اکثریت نمایندگان مجلس، تسلیم این فشارها نشدند و قانون اراضی شهری را که اقدام مهمی در جلوگیری از انحصار زمینهای شهری و مبرفانوسی شاحتن بورس سازی روی زمینهای شهری است، تصویب کردند. تأکیدات اخیر رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس سازمان آوارزی کل کشور، در زمینه اجرای بدون حده قانون اراضی شهری این امید را می دهد که کارکنی مخالفان در مرحله اجرای قانون سر ماند مرحله تصویب آن غشی و عقم گردد. اجرای درست و نام و تمام قانون اراضی شهری البته مشکل مسکن را حل خواهد کرد ولی کمکی خواهد بود در راه حل آن.

نخست وزیر بدرستی یادآوری کرد: ما باید با ذهنیت صحیح با قانون اراضی شهری برخورد کنیم و تصور نکنیم که این قانون مساله مسکن را در سطح کشور حل می کند، ما نباید چشمهایمان را به تمام راهحلهای اخلاقی مسکن بستیم. قانون اراضی شهری می تواند به حل مشکل مسکن کمک نماید.

نکته اینجاست که قشر وسیعی از زمینکنان خانه مدوش میهن ما، در هر صورت قدرت خرید زمین برای خانه سازی ندارند و حتی اگر زمین معاشی نیز در اختیار آنها قرار گیرد تازه از عهده تأمین بهای مصالح و اجرت ساختن برمی آیند. به این دلیل و هم بدلیل ضرورت پاراماندهی اصولی تولید مسکن، لازم است ضمن تقویت تعاونیها و استفاده کنترل شده از امکانات بخش خصوصی، دولت خود را با تولید مسکن و ایجاد مجموعه های مسکونی بپردازد و آنها را به اقساط درازمدت و با با اجارهای مناسب که درصد قابل قبولی از درآمد زمینکنان را شامل شود به آنها واگذار کند. منظر ما، امرخانه سازی و تأمین مسکن، اساساً باید بر عهده بخش دولتی و بخش تعاونی قرار گیرد، و از امکانات بخش خصوصی نیز تحت کنترل و نظارت دولتی استفاده شود.

علاوه بر اقدامات فوق برای گرهگشایی مشکل مسکن، باید خاطرنشان کنیم که حدود تهی از مردم شهرنشین ما آچاره نشین اند و اغلب آنها بیش از نیمی از درآمد خود را به آچاره ها و هزینه مسکن می دهند. این ارقام سرسام آور بسیارگر آن است که می باید از طریق غفلت و مهار حدی آچاره ها و وضع قوانین عادلانه و از طریق محدود کردن میزان مالکیت املاک مسکونی و از طریق امرایش مرصه مسکن این وضع آچاره را سود سناجرین و خانه مدوشان عمیر داد.

حسب اعلام محقق داماد، رئیس سازمان آوارزی کل کشور، در دیدار وزیر مسکن و شهرسازی و همراهان نکته فوق العاده اهمیت را تذکر داد. رئیس آوارزی کل کشور، در خصوص اهمیت وظیفه کمیسیونهای تخصصی ماده ۱۲ قانون، هشدار داد:

لازم است بهترین افراد معهد و مجرب نمایان کمیسیونها بعنوان عضو معرفی شوند.

هشدار رئیس آوارزی کل کشور از این جهت دارای اهمیت است که احتمال اخلال و سوء استفاده در زمینه تشخیص و تمیز زمینهای موات، سایر و دایره تنها وجود دارد. بلکه مؤثرترین مجرای جرأتکاری مخالفان این قانون است، هر چند ماده ۸ همین نامه اجرایی به حق، مندرجات اسناد مالکیت را به تنهایی ملاک تشخیص نمی شناسد. با اینهمه، انعقاد عوامل زمینداران بزرگ شهری و کلان صاحبان مستغلات، خواهند کوشید، با نفوذ در هیئت های تشخیص، راهی را که این ماده بسته است، از سوی دیگر بکشایند. باید به جریان اخلاقی قانون کمک کرد تا از نفوذ عوامل و طرفداران زمین داران بزرگ و مالکان بزرگ مستغلات به کمیسیون های تشخیص جلوگیری کنند. با این کمیسیون ها بهتر نتوانند با اجرای درست بندهای همین نامه اجرایی، فارغ از جرأتکاری های عناصر مربوطه

محافل قدرتمند مدافع مالکان بزرگ اراضی، مطابق منافع کوخ‌نشینان و زافه‌نشینان و خانمدوستان، در انطباق با خط‌مردمی اسام خعبنی مصمم گیری کنند.

بهر حال، اکنون دیگر اجرای صحیح قانون اراضی شهری مطرح است، تلاش در این راه یک وظیفه و عمل انقلابی است. رئیس سازمان بازرسی کل کشور، با توجه به همین نکته است که اطمینان داد:

این سازمان (سازمان بازرسی کل کشور) با تمام توان، ناظر اجرای صحیح قانون بوده و از مسئولان متعهد محری این قانون حمایت خواهد کرد.

(اطلاعات پنج‌شنبه ۷ مرداد)  
ما دارد که رفقا، اهمیت این اطمینان تمهیدآور رئیس سازمان بازرسی کل کشور را در مد نظر داشته و به مردم توصیه دهند، مانند کما اجرای صحیح این قانون، انقلاب در راه عدالت اجتماعی در زمینه مسکن گامی، به پیش بردارد.

« لشکرشاد یصا رخصسای بهت ساز » مجید مقدم نژاد  
 « کساره کاشفی » نادر ابراهیمی « فیروز خانسی  
 هم به خیل شهدا پیوستند.

رفقا و دوستان! به عزیزان! بر احترام فرود آورید که باز ۵ تن از رفقای ما  
 از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خیل شهیدان انقلاب پیوستند.  
 « شهید فرهاد رضا رهنمای چیت ساز » « شهید گاو کاشفی » « شهید نادر  
 ابراهیمی » « شهید مجید مقدم نژاد » و « شهید فیروز خانسی که ماهها همدوش  
 ما مسلمانان اپوزیتر انقلابی و مبارزان قهرمان توده‌های بادشمن تجاوزگر جنگیدند،  
 سرانجام با اهدای خون گرم و پاک خویش به پای نهال انقلاب ایران، این  
 حقیقت بازر را بار دیگر با سرخسگی حطه‌آمیزی به اثبات رساندند که فدائیان  
 خلق (اکثریت) به ایدئولوژی و سیاست سازمان تا آخر وفادارند، از مبارزان  
 پیگیر و جانناز ضدامپریالیست، از مدافعان فداکار استقلال، آزادی و عدالت  
 اجتماعی سپهر عزیزند، و می‌توانند براحتی در راه دفاع از انقلاب  
 ضدامپریالیستی و مردمی ایران، در راه شکوفایی جمهوری اسلامی در راه  
 استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در راه پیشبرد خط ضدامپریالیستی و  
 مردمی امام خمینی در انقلاب، جان خود را فدا کنند.

من سرباز جمهوری اسلامی ایران هستم. جمهوری که خواهان برقراری  
 استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی است... ما امید و اطمینان بسیار  
 داریم که نیروهای واقع‌بین خط امام خواهند توانست در مقابله با نیروهای  
 مخالف یا منحرف پیروز شوند... اکنون که من اینجا هستم واقفاً به  
 ایدئولوژی خود و حقایق آن پی‌می‌برم چون که با چشم خود می‌بینم اکثریت  
 فریب‌پاتفاق اشخاصی که در اینجا بسر می‌برند، از طبقه زحمتکش هستند...  
 ما با آمریکا می‌جنگیم و در راه مبارزه با آمریکا جان می‌سپاریم... من  
 برای سرد با آمریکای حیانگار به جبهه‌ها شناخته‌ام... در تشبیه جازه  
 من... ما فریاد هرچه رساتر برگ بر آمریکا بردهان کشمیرهای و قطب‌راده‌های  
 آشکار و پنهان سکویید... در شرایطی که امپریالیسم سرگردگی آمریکای  
 حیانگار با تحریک صدام و دارودستش ما را در جبهه‌ها می‌گوید و هرروز

گروهی از مردم بی گناه، مسلمانان افلاسی، توده‌های، فدائیان خلق (اکثریت) را به خاک و خون می‌کشد. در پشت جبهه‌ها نیز سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان غارتگر و محسوران را الوصفند. خون خانواده‌های زحمتکش را می‌مکند و مردم بر فعالیت‌های خرابکارانه، شقاق‌افکنانه و تشنج‌فرین خود می‌افزاید و از مواضع مهمی که در اختیار دارند، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار می‌دهد. این مواضع را باید از آنها گرفت ... وقت آن است که محرومین و کوخ‌نشینان از فداکاری‌های بی‌مانند خود بهره‌مند شوند. انقلاب هم برای همین بوده است.

اینها رفقاً، برخی حملاتی است از نامه‌ها و وصیت‌نامه‌های رفقای شهید ما که نام بردیم.

رفیق شهید نادر ابراهیمی، در شب ۲۵ اردیبهشت ۶۱ آماج گلوله دشمن نوازگر قرار گرفت. او از ناحیه سینه و پا شدت محروم شد اما در غلظت، به رحمت خود را استاده گیدانت، سینه بر اعراضت و فریادزد "سرگ سر امریکسا! درود بر حبیبی، زنده باد سازمان ... انعام حبه‌های جان حواش را برای همیشه عطا کرد.

رفقا و دوستان! بر احترام فرود آورید. با شهیدان خود، با شهیدان انقلاب، تجدید بیان کنیم که تا آخر، از انقلاب سدا مهربالستی و مردمی ایران، دفاع کنیم. ما فرزندان انقلاب خلق هستیم. ما فرزندان ایران انقلابی هستیم. ما تا آخر برای حفظ ایران افلاسی، ایران مستقل و آزاد و برخوردار از عدالت اجتماعی بود زحمتکشان و محرومان استادامیم. بماندیم که برای حفظ انقلاب، همچون رفیق شهید، نادر ابراهیمی، مانند درخت استاده بمریم.

به خواهرزادمام دروغ نگویید  
نگویید من به سفر رفته‌ام  
خواهرزادمام، واقعیت را بگویید  
بگویید با  
هزاران خمپاره دشمن  
سینه دایات را نشانه رفتاند  
بگویید خون دایات  
در تمام مرزهای غرب و جنوب کشورش.  
جاری است

بگویید موشک‌های دشمن  
انگشتان دایات را در سوراخ  
دست‌های دایات را در میخ  
پاهای دایات را در مویان  
سینه دایات را در شلمچه  
چشمان دایات را در هویزه  
حجره دایات را در رودخانه بهمنشیر  
و قلب دایات را در کرچه نور -  
دریده است.

اما هنوز  
ایمان دایات در تمامی جبهه‌ها می‌جنگد  
برای آزادی می‌جنگد.  
خواهرزادمام واقعیت را بگویید  
به او بگویید:  
هر روز فاشنه دایاتش را بسدد  
هر روز جنس دایاتش را بساكد  
هر روز اسلحه دایاتش را روغن‌کاری کند  
هر روز با قمقمه دایاتش آب سوند  
و همیشه با امریکای جنایتکار بجنگد.  
خواهرزادمام واقعیت را بگویید  
بگویید من به سفر رفته‌ام  
خواهرزادمام بگویید که من شهید ندمام  
در راه انقلاب.

(از رفیق شهید شاهرخ اختیاری - شهادت ۱۳۶۱/۲/۱۰ در جبهه کرخه‌سور)

تجاوزگران امریکاییست - صهیونیست. ضمن تلاش برای خروج از بن بست، در انتظار گشایش در کار گره خورده شان همچنان معاصره بیروت را ادامه می دهند. بایرداری قهرمانانه مردم فلسطین و لبنان به زنجیری سازمان آزادیبخش فلسطین، موضعگیری قاطع و نیرومند سوریه در برابر تجاوزگران، پشتیبانی معدانه و استوار جبهه جهانی ضد امریکاییستی و در رأس همه، اتحاد شوروی از ملوک حقه فلسطین و لبنان و سوریه در قبال تجاوز امریکایی - صهیونیستی، گسترش اعتراضات مردمی از جمله در خود اسرائیل، تجاوزگران را در چنان بن بستنی افکنده که در تلاش برای خروج از آن، هم بین دولتهای امریکا و اسرائیل و هم در محافل حاکمه امریکا، علائم "اختلاف طبقة" بروز کرده است. عقیده برخی ناظران سیاسی، امتناع امریکا از شرکت در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای فرار از اعمال "وتو" سود اسرائیل است. ولی هنوز زود است گفته شود که هر کدام - امریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل - درصددند گنیم خود را حداکانه از مرکه بیرون بکشند. در هر حال تجاوزگران امریکایی - صهیونیستی به بن بستنی در لبنان افتاده اند که اندک انتظار آنها نداشتند. فعلا می توان گفت که در کنار تلاشهای اساسا شکست خورده نظامی، تجاوزگران برای بیرون رفتن از بن بست به کوششهای سیاسی - دیپلماتیک و بهزای متوسل شده اند که در پشت دود غلیظی از تبلیغات حساب شده برای پنهان کردن شکستهایشان و نیز دود و گرد غلیظ مبارزات بخش غربی لبنان، تبلیغات امریکایی - صهیونیستی بطور عمده به هدف بهم پیوسته در راستای دفاع از مواضع امریکالیسم امریکا و رژیم فاشیست اسرائیل را دنبال می کنند.

هدف نخست، جلوگیری از بازتاب شکستهای سیاسی و نظامی رژیم فاشیست اسرائیل در برابر مردم فلسطین و لبنان به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین است. دوسم "جنگ ۶ روزه" به نخستین "جنگ ۶۰ روزه" آنها بدون دورما با با دورمای شکست بدل شده، و نه تنها تلاشهای تبلیغاتی تجاوزگران بلکه حتی اشغال نظامی بخش غربی بیروت و اقداماتی بیش از آن هم نمی تواند آنها حیران کند.

رژیم فاشیست اسرائیل برای درهم شکستن بایرداری مردم لبنان و فلسطین و نیروهای سوریه، ۱۵۰ هزار نفر از ارتشبان خود را که به کمک آمریکا - اربع تارترین سلاحها مجهز شده اند به میدان لبنان گسیل کرد. این نیروها بخش عظیمی از مجموع ارتش اسرائیل را تشکیل می دهند. آنها انواع چهاراروی کودگان زنان، چهاران و سالتفورندگان فلسطینی و لبنانی آزمایش می کنند. انواع شکنجه ها را در اردوگاههای اسرا و بازداشت شدگان بکار می گیرند، آب و برق متناطی تحت معاصره را قطع می کنند و راه ورود غذا و دارو و هرگونه گنمی را می بندند. با اینهمه، در پایان دوسم ماه تهاجم، ساله عمده آنها پیدا کردن راهی برای خروج از بن بست است! در این مدت نیروهای کوچک ولی رزمنده و مردمی فلسطینی، لبنانی و سوریه که توسط اتحاد شوروی از نظر تبلیغاتی محبوز شده اند، چنان ضرباتی بر نیروهای مهاجم وارد آورده اند که تجاوزگران و نه رژیمهای مرتجع و سازشکار عرب هرگز تصور آنها نیز بخود راه نمی دادند. نزدیک به ۴ هزار کشته و ۱۴ هزار زخمی و ناسودی ۷۰ جنگنده اف ۱۵ و اف ۱۶ و ۶۰۰ تانک، بخشی از خسارات وارده بر نیروهای اسرائیلی هستند که تا دو هفته پیش توسط جناح معتبری چون تاس و الثوره گزارش شده است. اهمیت این ضربات به ویژه هنگامی آشکار می شود که بدانیم جناح امریکالیسم امریکا خود اعلام کرده اند "حمله اسرائیل به لبنان به ما امکان داد که سیستم های نوس سلاح های امریکایی را در شرایط عملیات جنگی آسوده در خاور نزدیک و حلب فارس آزمایش کنیم. وضعیت نیروهای اسرائیلی اکنون چنان است که حتی

سی - سی - سی سر امر می کند طی حوالت عمده کدسه برتری سیاسی اسرائیل آنقدر کاهش یافت که حتی اگر اکنون دست به عمل نظامی برد، بعد است دستش در منطقه بند باشد.

تجاوزگران که از بهایمدهای سنگین این شکستها در هراس هستند می گویند و انمود کنند که بهروزمندان "تروریستها" یعنی مردم لبنان و فلسطین را از جنوب لبنان جمع کرده و در بیروت غربی زندانی کرده اند و اکنون "از موضع قدرت" به مذاکره برای تعیین سرنوشت آنان می پردازند و هرآینه "خواهند" با یک "ضربه برق آسا" اراده خود را به آنها تحمیل می کنند. دستگاههای تبلیغاتی امریکالیسم و صهیونیسم تلاش می کنند چنین وانمود سازند که گویا این سازمان در نتیجه "شکستهای فظمی" برای هرگونه سازش آماده است. اخیرا دستگاههای تبلیغاتی امریکالیسم "کشف جدیدی" کردند و میاهوی جدیدی براه انداختند که سازمان آزادیبخش فلسطین این با آن قطعهنامه جدید با قدم سازمان ملل متحد را پذیرفته است! و این تبلیغات را چنان سار می کنند که گویی بدبوسله سازمان آزادیبخش فلسطین بند تسلیم خود را در برابر تجاوزگران امضا می کنند! و این در حالی است که همه می دانند رژیم فاشیستی اسرائیل حتی به یکی از این قطعهنامهها در طول تاریخ خود پایبند نبوده است. ولی اتحاد توطئه امریکالیسم خسری برای محدود کردن سیمای انقبالی سازمان آزادیبخش فلسطین و پنهان کردن سیمای تجاوزگر و باغی رژیم اسرائیل چنان گسترده است که متاسفانه دامنه آن به رسانه های گروهی و مطبوعات مجار کشور ما نیز که دوست و متحد مردم فلسطین و لبنان است، سرایت می کند.

هدف دیگر تبلیغات امریکا و اسرائیل جلوگیری از تحکیم اتحاد مردم لبنان و فلسطین و دیگر خلقهای منطقه با کشورهای سوسیالیستی است. تبلیغات امریکاییستی - صهیونیستی در این راستا به ویژه تلاش می کند تا

نقش تعیین کننده حمایت‌های همه جانبه اتحاد شوروی از مردم لبنان و فلسطین را پنهان سازند. کار تبلیغات امپریالیستی در این زمینه به هوجی‌گری پیرامون "یکسوت شوروی"، "برتری بلاحیای امریکایی" و "امتناع شوروی از تحویل ملاحیای لازم" با "ملاحیای پیشرفته" به رزمندگان فلسطینی و ... رسیده است. این هوجی‌گری‌ها در حالی صورت می‌گیرد که رزمندگان فلسطینی، لبنانی و سوری به کمک تبلیغات شوروی ضرباتی سنگین بر ارتش ۱۵۰ هزار نفری اسرائیل در لبنان وارد می‌آورند و با سرعفات نظیر بومعانی اعلام می‌کنند "من با ابراز سپاسگزاری نام خودم، با سرعفات را روی آن تانک شوروی که همراه با دیگر دستگاههای نظامی از بیروت دفاع می‌کند گذاشتم"

علیرغم همه تلاش‌های امپریالیسم، نقش تعیین کننده اتحاد شوروی در حمایت از مردم فلسطین، لبنان و سوریه، در جلوگیری از وارد شدن نیروهای نظامی آمریکا به لبنان در گوش برای سیح کشورها و نیروهای ضد امپریالیست جهان علیه تجاوزگران، در رسوا کردن و منزوی ساختن آمریکا و اسرائیل در محام بین‌المللی و میان ملل جهان و در به بن بست کشاندن ماجراجویی

کلیتاً بی‌وزنانه به ...  
لئونید برزف رهبر اتحاد شوروی، در آخرین مصاحبه با روزنامه پراودا اعلام داشت: "کشور ما به گمانی که در برابر تجاوزگران، سرنوشتیم درود نیاورده‌اند و در راه حل و فصل عادلانه اختلافات و در راه برقراری صلح در منطقه سارزه می‌کنند کک کرده و می‌کند و از آنها پشتیبانی کرده و خواهد کرد." در همین مصاحبه لئونید برزف بار دیگر اعلام کرد: "اتحاد کشور فلسطینی بهترین و منطقی‌ترین راه حل و فصل مسأله ملت عرب فلسطین است و اتحاد شوروی بارها این مطلب را تاکید کرده است."

حوسین هدف عمده تبلیغات امپریالیستی - صهیونیستی، جلوگیری از سازمان اعتراضات گسترش یافته، حلقه‌ها، بویژه مردم آمریکا و اسرائیل علیه تجاوزگران است. صدای اعتراض خلفای جهان علیه تجاوزگران امریکایی - صهیونیستی هر روز رساتر و خشمگین‌تر می‌شود. افراد آمریکا در شورای امنیت و افراد آمریکا و اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل - بویژه بحران لبنان امریکایی از اراده ملل سیدار جهان علیه تجاوزگران است؛ در این میان به ویژه گسترش اعتراضات مردم اسرائیل از نظر نانی که برآمده، رژیم اسرائیل و مناسبات آن با کشورهای عرب جای می‌گذارد، حائز اهمیت است. شکستهای جاسی و نظامی رژیم صهیونیستی از یکسو و فلسطی شدن جنایات مجمع آن از سوی دیگر جهان بازتاب سیدارگندمای در میان مردم اسرائیل یافته که برای نخستین بار به ارتش اسرائیل نیز صراحت کرده است. اهمیت ساله در این است که صهیونیستها بر پایه اعتقادات مذهبی یهودیان منی بر برگزیدگی قوم یهود و با بهره‌گیری از تاریخ خونین سرکشگی و تمدیدگی خلق یهود - که آخرین بار بدست فاشیستهای آلمان صورت گرفت - به تحمیل مردم پرداختند و گوشیدند آنها را آماده کنند تا دولت اسرائیل را به شاه حربه انتقام آسمانی و نردبان خونین عروج قوم یهود باور کنند و بر توسعه طلبی صهیونیسم صحه بگذارند. اکنون این حربه نژادپرستان و نردبان خونین سرمایه‌داران صهیونیست در برابر مردم اسرائیل ماضیت و چهره واقعی خود را نشان می‌دهد. نیروهای ترقیبخواه درون اسرائیل به رهبری حزب کمونیست اسرائیل برده از جنایات صهیونیسم و رژیم پلیتد اسرائیل برمی‌دارند و مردم را به نردی قطعی با این رژیم و در راه دوستی و همسنگی با خلفای عرب و همه کشورها و نیروهای ضد امپریالیست جهان فرا می‌خوانند. گسترش اعتراضات مردم اسرائیل، گسترش نظامرات خیابانی برای پایان دادن به تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، بروز مخالفت در ارتش و هر چه قابل توجه سازمان و درجه‌داران و حتی برخی فرماندهای صاحب‌نام از شرکت در جنایات امپریالیستی - صهیونیستی مجموعاً خبر از پیدایش شرایط جدیدی می‌دهند که رژیم صهیونیستی اسرائیل را از درون زیر فشارهای شدید قرار خواهد داد و آنرا از درون متزلزل خواهد ساخت. رژیم صهیونیستی با تهدید و ارعاب و سرکوب می‌کوشد از اوج‌گیری اعتراضات، جلوگیری کند و مانع بازتاب آنها شود. اما این تلاشها جز تشدید تقابل رژیم صهیونیستی اسرائیل با مردم آن کشور نتیجه‌ای نخواهد داشت